

سناریوهای نظم منطقه خاورمیانه تا سال ۲۰۳۰ با تاکید بر کنشگری ایران و عربستان

زاهد غفاری هاشجین^۱، ایوب نیکونهاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

چکیده: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از پایدارترین مدل‌های نظم منطقه‌ای در خاورمیانه، رقابت بین دو نظم انقلابی‌گری با محوریت جمهوری اسلامی ایران و نظم غرب‌گرا با محوریت آمریکا و بازیگری عربستان سعودی و همپیمانان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن بوده است. با این وجود، با توجه به سیال بودن و پرشتاب بودن تحولات در این منطقه، ظهور بازیگران رسمی و غیررسمی جدید، محیط پیچیده و آشوبناک منطقه و به تبع آن، وجود عدم قطعیت‌های متعدد نمی‌توان از تثبیت کامل این الگوی نظم دوقطبی در منطقه خاورمیانه سخن به میان آورد و ممکن است نظم منطقه‌ای خاورمیانه در بازه زمانی ده سال آینده دستخوش دگرگونی‌های بسیاری گردد. پژوهش پیش روی درصدد پاسخگویی به این پرسش اصلی است که سناریوهای آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه تا سال ۲۰۳۰ چگونه خواهند بود و سناریوی مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در ذیل این الگوهای نظم منطقه‌ای کدام است؟ درجهت پاسخ به سوالات با رویکرد آینده پژوهی از روش شناسایی و تحلیل پیشران‌های اثرگذار بر شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای و همچنین شناسایی شگفتی‌سازها و نشانک‌های ضعیف از طریق مصاحبه خبرگان و از طریق نرم افزار میک مک استفاده شده است. یافته‌های پژوهش منطبق بر اثرگذاری پیشران‌های کلیدی و تحلیل بلوک بندی‌های قدرت در این منطقه بیانگر آن است که طیف وسیعی از سناریوها را می‌توان درخصوص نظم منطقه‌ای خاورمیانه مطرح ساخت اما مطلوب‌ترین نظم برای ایران هژمونی نظم انقلابی‌گری و محتمل‌ترین سناریو برای جمهوری اسلامی، تداوم سناریوی موازنه قوا در این منطقه است. در مقابل مطلوبترین سناریو برای نظم غرب‌گرا هژمونی نظم غربی-سلفی (بامحوریت عربستان سعودی) و محتمل‌ترین سناریو برای نظم غرب‌گرا نیز تداوم سناریوی نظم موازنه قواست.

واژگان اصلی: نظم منطقه‌ای خاورمیانه، مجموعه امنیت منطقه‌ای، سناریونویسی، ایران، پیشران‌ها.

مقدمه

مناطق جغرافیایی نظیر خاورمیانه که محل زیست قومیت‌ها، نژادها و زبان‌های مختلف بوده و به علاوه از جایگاه راهبردی برخوردار باشند، همواره دچار چالش، درگیری، رقابت و بحران‌های ممتد و ادواری بوده‌اند. این مناطق غالباً به صورت امنیتی اداره شده و کنشگران با معمای امنیت^۱ روبرو هستند چرا که اکثریت واحدهای سیاسی نسبت به سیاست‌های دیگر کنشگران دچار نوعی سوءظن می‌باشند. کشورهای این منطقه به لحاظ سطح قدرت از قابلیت‌های یکسانی برخوردار نیستند. برخی از آن‌ها با وارد شدن به ائتلاف‌سازی با قدرت‌های فرا منطقه‌ای سعی در کنترل رقبا دارند، و عده‌ای نیز الگوی قدرتمندی مبتنی بر پیشرفت‌های بومی را در پیش گرفته‌اند. در منطقه‌ی خاورمیانه پنج کنشگر عمده یعنی ایران، عربستان، ترکیه، مصر و رژیم اسرائیل وجود دارند که هر کدام به فراخور قابلیت‌های درونی و بیرونی در تلاش هستند تا با مستولی ساختن نظم منطقه‌ای مطلوب خود، بر سایر الگوهای رقیب فائق آیند. در دهه‌های اخیر کشورهای ترکیه، مصر و رژیم اسرائیل با وجود صرف هزینه‌های هنگفت و آزمایش طرق متعددی جهت چیره شدن در خاورمیانه، از طراحی یک نظم مستقل و پیشبرد اهداف منطقه‌ای خود ناتوان بوده و لذا به ناچار همواره در طیف نظم سستی تعریف شده‌ی ایران و عربستان به ایفای نقش پرداخته‌اند.

به استثنای جمهوری اسلامی ایران که همواره بر نظام سازی امنیتی درون منطقه‌ای به دور از مداخله سایر قدرت‌ها تأکید دارد، سایر کنشگران به انحای مختلف بر قدرت و بازیگری خود در منطقه با همکاری ایالات متحده آمریکا تأکید می‌کنن گرچه در دهه‌های گذشته رویدادهایی همانند جنگ اعراب و اسرائیل، پیروزی انقلاب اسلامی، وقوع جنگ ایران و عراق، جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس نظم امنیتی منطقه را تحت الشعاع خود قرار داده بود اما متعاقب رخداد شگفتی‌ساز^۲ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و به دنبال آن سقوط بغداد به دست نیروهای آمریکایی در مارس ۲۰۰۳ و طرح مباحثی همچون تشکیل دولت عراق شیعی، شکل-گیری معمای مسئله هسته‌ای ایران، ظهور جریان‌های تروریستی نوسلفی‌گری همانند داعش و داعیه‌ی تشکیل حکومت اسلامی و تلاش عربستان سعودی در دوران حکومت محمد بن

1 - Security Dilemma

2 - Wild Card

سلمان برای کسب رهبری منطقه، خاورمیانه را وارد مرحله نوینی ساخته است. بهره‌گیری از تکنیک سناریونویسی همراه با تدبیر و دور اندیشی، داشتن درک صحیح سیاست‌گذاران کشور از جایگاه منطقه‌ای و نظام جهانی و استفاده مناسب از توان دیپلماسی سیاسی - اقتصادی می‌تواند به ارتقاء جایگاه ایران در منظومه‌ی نظم‌های در حال شکل‌گیری و نوظهور در گستره‌ی راهبردی خاورمیانه منجر شود.

پرسش اصلی این پژوهش این است که سناریوهای آینده‌ی نظم منطقه‌ای تا سال ۲۰۳۰ در منطقه‌ی خاورمیانه چگونه خواهند بود؟ برای پاسخگویی به این پرسش سوالات فرعی نیز طراحی گردیده و پژوهش نیز مبتنی بر این پرسش‌ها سازماندهی شده که پیشران‌های شکل دهنده به نظم منطقه‌ای آینده خاورمیانه کدام‌اند؟ شگفتی‌سازها و نشانه‌های ضعیف آینده نظم منطقه‌ی مبتنی بر کنشگری ایران و عربستان در برگیرنده چه مولفه‌های است؟ و سناریوهای مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی ذیل نظم نوین منطقه‌ای در سال ۲۰۳۰ کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

فرهاد قاسمی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه» بر اساس تئوری شبکه و همچنین پارادایم ژئوپلیتیک، مدلی را طراحی می‌نماید که درک پیچیدگی‌های امنیت منطقه‌ای را امکان‌پذیر ساخته و چگونگی ارتباط اجزاء متفاوت آن را با یکدیگر نشان می‌دهد.

جهانبخش ایزدی و حمیدرضا اکبری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا» به ترسیم نظم امنیتی منطقه غرب آسیا برپایه اسلام‌گرایی سیاسی پرداخته و رفتار اسلام‌گرایان را در سه سناریوی تشدید افراط‌گرایی و تشدید خشونت با پیدایش جریان‌های نوظهور سلفی، عدم توانمندی حفظ قدرت و حاکمیت در جریان‌های اصیل و ریشه دار همانند اخوان المسلمین و در نهایت تغییر در کنش‌گری جبهه مقاومت مورد بررسی قرار داده است.

علی اکبراسدی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «عربستان سعودی و نظم منطقه‌ای: از هژمون‌گرایی تا موازنه‌سازی» به بررسی چالش‌ها و ظرفیت‌های پیش‌روی عربستان سعودی در مواجهه با نظم منطقه‌ای و در راستای راهبرد سازی نظم مطلوب مورد نظر آن کشور پرداخته است.

قاسم ترابی و محمد ناصر طاهری زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «روندهای مسلط منطقه‌ای و آینده نظم منطقه خاورمیانه» به این نتیجه رسیده‌اند که نظم منطقه خاورمیانه در نتیجه هجوم عوامل و بازیگران مختلف در آستانه یک دوره انتقالی جدی قرار دارد که عمدتاً با محوریت رشد ملی‌گرایی، تجزیه طلبی، شکل‌گیری کشورهای جدید و جدال آن‌ها با بازیگران مسلط و تداوم رقابت‌های ایدئولوژیک همراه خواهد بود.

وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های یاد شده در این است که این پژوهش علاوه بر اینکه براساس رویکرد علمی و روشمند آینده‌پژوهانه استوار است با بررسی پیشران‌های شکل دهنده به نظم منطقه خاورمیانه براساس کش‌گری ایران و عربستان به ترسیم سناریوهای نظم امنیتی خاورمیانه در افق زمانی مشخص پرداخته است.

۲. چارچوب نظری:

۲-۱. مکتب کپنهاگ و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای

مکتب کپنهاک^۱ یکی از رهیافت‌های اصلی در روابط بین‌الملل است که به مطالعات امنیتی دوره پسا جنگ سرد و تغییرات گسترده‌ای که در حوزه امنیت رخ داده، تمرکز کرده است (داد اندیش، ۷۴: ۱۳۸۹-۷۶). این تئوری به مناطق از زاویه امنیتی نگاه می‌کند و سطح تحلیل منطقه‌ای را برای درک امنیت مناسب‌ترین سطح تحلیل می‌داند. از دیدگاه باری بوزان پایان جنگ سرد ناامنی‌های زیادی را موجب شد که این امر نتیجه تک‌بعدی نگرش مکاتب کلاسیک (از جمله مکتب رئالیسم بوده که دولت را تنها موضوع امنیت می‌دانست و مکتب جهان‌گرا که نظام بین‌الملل را تنها موضوع امنیت می‌دانست،) قلمداد می‌شد. به علاوه وی معتقد بود این مکاتب از ویژگی امنیتی مناطق غافل بوده‌اند. از این منظر بوزان سطح تحلیل منطقه‌ای را مناسب‌ترین سطح برای درک امنیت می‌دانست (فتیحی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۷).

باری بوزان در تعریفی اولیه یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۲ را گروهی از دولت‌ها می‌داند که نگرانی اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده که امنیت ملی آن‌ها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد. (بوزان و ویور، ۵۵: ۱۳۸۸). بر اساس نظریه

^۱- Copenhagen School

^۲- Regional Security Complex

مجموعه امنیتی منطقه‌ای، تهدیدات مسافت‌های کوتاه را آسان‌تر و راحت‌تر نسبت به مسافت‌های طولانی طی می‌کنند. در واقع ترس‌ها و دغدغه‌های درون منطقه‌ای باعث ظهور مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌شود. لوئیس فاست^۱ معتقد است که کشورها در روند منطقه‌گرایی^۲ به دنبال قدرت و امنیت‌اند و در جهت بقای نظام خود با دیگر کشورها همکاری می‌کنند. دولت‌های نیرومند و قوی منطقه بنیان‌گذاران روند منطقه‌گرایی هستند و دولت‌های کوچک به دنبال دست‌یابی به مزایای همکاری‌های منطقه‌ای که حداقل‌ترین آن تأمین ثبات و امنیت است برمی‌آیند (فاست، ۱۳۸۷: ۳۰۸). از نظر بوزان و ویور علل شکل‌گیری نظم‌های امنیتی منطقه‌ای را می‌توان در چهار عامل وابستگی متقابل امنیتی (شبکه‌ای از تعاملات و روابط امنیتی بین اعضای یک مجموعه)، وجود الگوهای دوستی و دشمنی (وجود اختلافات تاریخی)، مجاورت جغرافیایی (داشتن مرز مشترک میان اعضای مجموعه) و وجود حداقل دو بازیگر قدرتمند و موثر در درون مجموعه دانست. (Buzan, 1991: 188 and 1991: 200-2002)

۲-۲. الگوهای نظم منطقه‌ای

در چارچوب نظریه مجموعه نظم امنیت منطقه‌ای نظریه پردازان عمدتاً از سه نوع الگوی نظم سخن به میان آورده‌اند. اولین نوع از نظم‌های منطقه‌ای الگوی موازنه قواست^۳ که در چارچوب به کارگیری قدرت جهت مهار قدرت معنا می‌یابد و کشورها عمدتاً امنیت را از طریق ایجاد و حفظ توزیع قدرت مناسب و با ثبات پیگیری می‌کنند. ممکن است الگوی موازنه قوا ماهیتاً تک‌قطبی یا هژمونیک، دوقطبی یا چندقطبی داشته باشد. مجموعه امنیتی خاورمیانه بهترین و بارزترین نمونه این الگوست (مورگان، ۱۳۸۱: ۵۷)

دومین الگو، کنسرت قدرت‌های بزرگ^۴ منطقه‌ای است که از مسئولیت دسته‌جمعی قدرتمندترین کشورها در مجموعه امنیتی با فراهم آوردن نظم و امنیت به صورت خیر عمومی^۵، به عنوان یک فضیلت^۶ اقدامات آن‌ها مشروعیت می‌یابد. (Jaede, 2012: 1) در این الگو همه یا بیشتر اعضای یک جامعه مشخص در آن مشارکت می‌کنند و از آن نفع می‌برند.

1- Lewis Faust

2- Regionalism

3 - Balance Of Power

4 - Great Power Concert

5- Common Good

6- Virtuous

در چارچوب این نظم، کشورها منافع حیاتی یکدیگر و حق مشارکت در کنسرت را پذیرفته و سیاست خارجی خود را بر این اساس سامان می‌دهند. لازمه شکل‌گیری این الگو، عزم قدرت‌های عمده برای اداره و فرونشاندن مناقشات و همچنین، تعریف سازوکاری برای همکاری میان قدرت‌های منطقه‌ای تا از طریق آن با سایر موضوعات امنیتی روبرو شوند.

سومین الگو مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه^۱ است. در این الگو، مدیریت تنها حق ویژه و امتیاز کشورهای عمده و بزرگ نبوده و اقدامات آن‌ها باید از توافق و تأیید جمعی نیز برخوردار باشد. چنین مدیریتی، عمدتاً در قالب سازمان‌های منطقه‌ای برای تدارک و توسعه حقیقت‌یابی، میانجی‌گری، آشتی و مصالحه و حفظ صلح و همچنین، وضع رژیم‌هایی برای نظارت بر تحولات خطرناک یا توسعه کنترل تسلیحات و سایر محدودیت‌ها، اعمال می‌شود. هدف غایی در امنیت دسته‌جمعی این است که صلح به صورت دسته‌جمعی و در صورت لزوم، از طریق واکنش تأدیبی برقرار می‌شود (مورگان، ۱۳۸۱: ۶۰).

۲-۳. نظم منطقه‌ای در خاورمیانه

بر طبق نظر بوزان و ویور مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه، از سه زیرمجموعه امنیتی ذیل تشکیل شده است: (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۲) نخستین و اصلی‌ترین زیرمجموعه که در شامات^۲ متمرکز است، شامل رژیم اسرائیل و همسایگان عرب آن می‌شود. اساس شکل‌گیری این زیرمجموعه، اشغال فلسطین و قدس شریف و شکل‌گیری رژیم اسرائیل بوده است. این منازعه، علاوه بر ماهیت عربی - اسرائیلی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به منازعه اسرائیل و جهان اسلام نیز ارتقا یافته است.

دومین زیرمجموعه، مجموعه امنیتی خلیج فارس^۳ است که پس از خروج بریتانیا در سال ۱۹۷۱ شکل گرفته است. در این زیرمجموعه، رقابت سه‌گانه ایران، عراق (تاقبل از فروپاشی دولت بعث) و دولت‌های عرب خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی، محور اصلی را تشکیل می‌داد. بنیاد شکل‌گیری این زیرمجموعه امنیتی، منازعات و رقابت‌های مذهبی و قومی در میان کشورهای عضو است که در عین حال، منازعات بر سر منابع انرژی همچون نفت، گاز و آب و همچنین منازعات ارضی و مرزی بر منازعات ایدئولوژیک و قومی، افزوده شده و

1- Multilateral Collective Management Model

2- Chamat

3- Persian Gulf

به این زیرمجموعه امنیتی، هویتی مستقل داده است.

سومین زیرمجموعه منطقه‌ای که انسجام ضعیف‌تری در مجموعه امنیتی خاورمیانه دارد، مبتنی بر مجموعه‌ای از روابط متغیر و شکننده میان لیبی، تونس، الجزایر و مراکش است. مهم‌ترین مشکل امنیتی منطقه‌ای در زیرمجموعه مغرب، الحاق صحرای غربی به مراکش در ۱۹۷۵ است. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۶). عامل اصلی قرارگیری این زیرمجموعه در مجموعه امنیتی خاورمیانه، درگیری اعضای آن در منازعه اعراب و اسرائیل و منازعات خلیج فارس است. به نظر می‌رسد لحاظ نکردن کشور ترکیه به عنوان یکی از بازیگران اصلی بحران‌ها در منطقه خاورمیانه یکی از اشکالات اصلی تقسیم بندی باری بوزان و الی ویور در خصوص مجموعه نظم امنیتی خاورمیانه است.

روی هم رفته تنوع منازعات امنیتی در مجموعه امنیتی خاورمیانه سبب شده تا شارح اصلی مکتب کپنهاگ یعنی باری بوزان آن را همواره مجموعه‌ای منازعه ساز و کشمکش زا بنامد. به همین دلیل است که الگوهای نظم منطقه‌ای در این مجموعه امنیتی، همواره در وضعیتی مبهم، سیال و متغیر قرار داشته‌اند و تاکنون هیچ الگوی به صورت مستمر و پایدار شکل نگرفته است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. شناسایی پیشران‌ها

به منظور شناسایی موضوع‌های کلان و تأثیرگذار بر آینده منطقه‌ی خاورمیانه در پرسشنامه اول دلفی در قالب یک سؤال از شرکت‌کنندگان خواسته شد با توجه به نظر خود ۱۰ پیشران برتر و اولویت‌دار به لحاظ درجه‌ی اهمیت، منطق روند سازی و تأثیرگذاری بر تحولات آینده نظم امنیتی منطقه را انتخاب و تشریح کنند. پس از دریافت نظرات خبرگان و تجمیع آن‌ها پیشران‌هایی که بیشترین فراوانی را از منظر قضاوت صاحب‌نظران داشته‌اند، برای خبرگان در دور دوم دلفی ارسال گردید و مجدداً از آن‌ها خواسته شد تا بر اساس شاخصه‌هایی از جمله درجه‌ی اهمیت و تأثیرگذاری ۱۰ پیشران برتر و تعیین‌کننده در آینده نظم امنیتی منطقه خاورمیانه را از میان ۱۵ پیشران در اختیار انتخاب نمایند. بر این مبنای جدول ماتریس متقاطع از تعداد ۱۰ پیشران اصلی ترسیم جهت سنجش آن‌ها با یکدیگر در اختیار خبرگان قرار گرفت، سپس از آن‌ها خواسته شد رابطه و میزان اثرگذاری هر پیشران در ارتباط با دیگر پیشران‌ها را با اختصاص نمره‌ای مشخص نمایند؛ بدین صورت که بیشترین اثرگذاری عدد ۳، میزان اثرگذاری متوسط عدد ۲، کمترین اثرگذاری عدد ۱ را به خود اختصاص خواهد داد، در صورتی که بین پیشران‌ها هیچ ارتباطی برقرار نباشد عدد صفر و چنانچه فقط

ارتباط بالقوه‌ای وجود داشته باشد به شکل حرف P نشان داده خواهد شد. جدول ماتریس زیر مجموع نمرات خبرگان است که جهت سهولت در تحلیل نرم‌افزاری به صورت اعداد رند نشان داده شده است.

۲-۳. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار میک مک

جدول شماره ۱، تحلیل تأثیرات متقاطع میان پیشران‌ها

	منازعات ژئوپلیتیکی	افراط گرایی مذهبی تروریسم سلفی	رقابت‌های گفتمانی درون منطقه	قدرت‌های فرا منطقه‌ای	رقابت بر سر انرژی	بی‌ثبات سیاسی داخلی دولت‌ها (دولت‌های زمان پریش و ورشکسته)	رقابت تسلیحاتی کشورهای منطقه	آینده بحران‌های سوریه و یمن	سیال بودن ائتلاف‌ها بعد از قیام‌های عربی	تضاد عینی در منافع بازیگران
منازعات ژئوپلیتیکی	۰	۲	۲	۳	۴	۲	۴	۱	۲	۴
افراط گرایی مذهبی (تروریسم سلفی)	۲	۰	۳	۳	۴	۴	۲	۴	۲	۲
رقابت‌های گفتمانی درون منطقه	۲	۳	۰	۳	۳	۲	۴	۴	۳	۴
قدرت‌های فرا منطقه‌ای	۳	۳	۳	۰	۲	۱	۳	۳	۲	۲
رقابت بر سر انرژی	۳	۲	۲	۳	۰	۱	۲	۱	۱	۲
بی‌ثبات سیاسی داخلی دولت‌ها (دولت‌های زمان پریش و ورشکسته)	۲	۳	۳	۱	۳	۰	۲	۲	۴	۴
رقابت تسلیحاتی کشورهای منطقه	۳	۲	۳	۲	۳	۱	۰	۲	۱	۴
آینده بحران‌های سوریه و یمن	۳	۳	۳	۳	۱	۳	۳	۰	۳	۳
سیال بودن ائتلاف‌ها بعد از قیام‌های عربی	۱	۳	۳	۲	۱	۳	۱	۳	۰	۲
تضاد عینی در منافع بازیگران	۳	۲	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۲	۰

منبع: نگارندگان

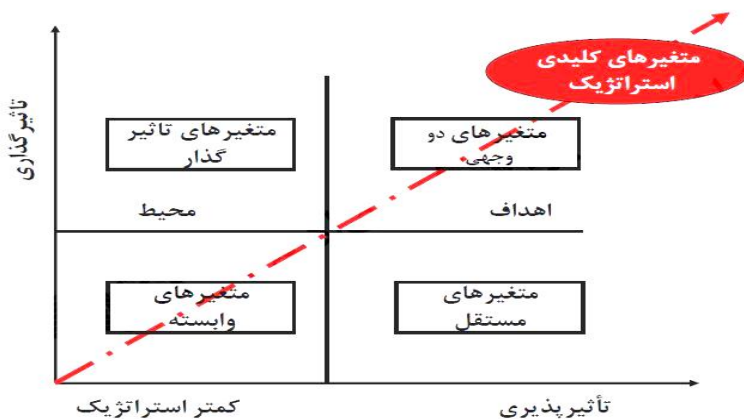
جدول شماره ۲، امتیازبندی پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر نظم امنیت منطقه‌ای

N°	Variable	Total number of rows	Total number of columns
1	منازعات ژئوپلیتیکی	21	22
2	افراط‌گرایی مذهبی	23	23
3	رقابت‌های درون‌گفتمانی در منطقه	25	25
4	قدرت‌های فرامنطقه‌ای	22	22
5	رقابت بر سر انرژی	17	21
6	بی‌ثباتی سیاسی داخلی دولت‌ها	22	19
7	رقابت تسلیحاتی کشورهای منطقه	20	22
8	آینده بحران‌های سوریه و یمن	25	21
9	سیال بودن ائتلاف‌ها بعد از قیام‌های عربی	19	19
10	تضاد عینی در منافع بازیگران منطقه	23	23
	Totals	217	217

منبع: داده‌های تحلیلی نرم افزار Micmac

اگر بر اساس محیط نرم افزاری میک مک که متغیرها را دسته‌بندی می‌کند بخواهیم وضعیت قرار گرفتن هر متغیر را مشخص نماییم نمودار شماره ۳ جهت درک بهتر وضعیت هر یک از این متغیرها را در نمودار شماره ۱ نمایش داده شده است.

نمودار شماره ۱: تشریح وضعیت متغیرهای چندگانه



منبع: نگارندگان (بر اساس محیط Micmac)

براساس توضیحات ارائه شده درخصوص متغیرها و تشریح وضعیت هر یک از آنها در نمودار ذیل پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده نظم منطقه‌ی خاورمیانه نمایش داده شده است. نمودار شماره ۲: وضعیت پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده منطقه‌ی خاورمیانه روی نمودار

منبع: داده‌های تحلیلی نرم افزار Micmac

چنانچه بخواهیم نمودار تأثیرات مستقیم بالقوه و غیرمستقیم بالقوه پیشران‌ها را بر یکدیگر نشان دهیم، می‌توان آن‌ها را بر اساس نمودارهای ذیل ترسیم نمائیم تا فضای سناریونویسی برای آینده نظم امنیتی منطقه خاورمیانه بهتر تشریح گردد.

نمودار شماره ۳، تأثیرات مستقیم پیمان‌ها بر یکدیگر

منبع: داده‌های تحلیلی نرم افزار Micmac

نمودار شماره ۴، تأثیرات مستقیم پیمان‌ها بر یکدیگر

منبع: داده‌های تحلیلی نرم افزار Micmac

نمودار شماره ۵: تأثیرات غیرمستقیم پیشرانها بر یکدیگر.

منبع: داده‌های تحلیلی نرم افزار Micmac

۳-۳. مشخص کردن پیشران‌های کلیدی

برای مشخص کردن پیشران‌های کلیدی که اثرگذاری بسیار زیادی بر روندهای آینده و سناریوها خواهند داشت پس از تحلیل نرم افزار میک‌مک و شناسایی پیشران‌ها در سه حوزه (دارای تأثیر مستقیم، پیشران‌های دارای تأثیر غیر مستقیم و پیشران‌های دارای تأثیر غیرمستقیم بالقوه) نسبت به دسته‌بندی آن‌ها اقدام گردید. پیشران‌هایی که در هر سه حوزه برطبق نمودارهای مستخرجه از نرم افزار میک‌مک دارای اشتراک و تکرار بودند به عنوان پیشران-های کلیدی شکل دهنده به آینده نظم منطقه غرب آسیا شناسایی شدند و سایر پیشران‌هایی که فقط در حوزه دارای تأثیر غیرمستقیم و بالقوه اشتراک داشته‌اند به عنوان پیشران‌های کمتر استراتژیک شناسایی شده‌اند. پیشران‌ها و یا متغیرهای تنظیمی به علت عدم تکرار در هیچ یک از این سه حوزه به عنوان متغیرهای تنظیمی شناسایی شده‌اند.

جدول شماره ۳: دسته‌بندی پیشران‌ها بر اساس تحلیل نرم افزاری داده‌های میک‌مک

دسته بندی پیشران ها بر اساس تحلیل نرم افزاری داده های میک مک نمودارهای ۲ تا ۵		
پیشران‌های کلیدی استراتژیک	پیشران‌های نیمه کلیدی	پیشران‌های تنظیمی
آینده بحران‌های سوریه و یمن	رقابت‌های تسلیحاتی	رقابت بر سر انرژی

	بی ثباتی سیاسی دولت های منطقه	منازعات ژئوپلیتیکی
	سیال بودن ائتلاف ها	رقابت های درون گفتمانی
		تضاد عینی منافع بازیگران
		قدرت های فرامنطقه ای
		افراط گرایی مذهبی و تروریسم

منبع: تحلیل نگارندگان

در جدول شماره ۳ امتیازات هر یک پیشران‌های به دست آمده در ردیف‌ها و ستون‌های جدول ماتریس متقاطع نشان داده شده است. همانگونه که مشاهده می‌گردد پیشران‌هایی نظیر رقابت‌های درون گفتمانی، آینده بحران‌های سوریه و یمن، ظهور پدیده تروریسم نوین سلفی و تعارض و تضاد منافع بازیگران اصلی این منطقه، پیشران‌های عمده و تأثیرگذار بر آینده نظم نوین منطقه خاورمیانه در افق ده‌ساله خواهد بود.

۳-۴ شگفتی سازها و نشانک های ضعیف:

یکی از ضعف‌های پژوهش‌های آینده پژوهی عدم توجه به پیشران‌های شگفتی ساز و نشانک‌های ضعیف^۱ است چرا که درکنار توجه به پیشران‌های شکل دهنده به یک پدیده باید احتمال وقوع رویدادهایی که تمامی پیش بینی‌های علمی را دستخوش تغییر می‌سازد و روندها و شرایط جدیدی به وجود می‌آورد نباید نادیده گرفته شود. تعریف رایج و پذیرفته شده درباره شگفتی سازها متعلق به مبدع آن جان پترسن است که شگفتی سازها را به صورت رویدادهایی با احتمال پائین و تأثیرات زیاد که به سرعت اتفاق می‌افتد و عواقب بزرگی دارند تعریف می‌کند. (petersen, 1999: 4) درمقابل نشانک‌های ضعیف دربرگیرنده موضوعات به ظاهر بی‌اهمیتی است که نشانه‌های آن در حال حاضر وجود دارد و می‌تواند سرخ‌هایی از روندها و رویدادهای آینده در اختیار ما قرار بدهد. عموماً از نشانک‌های ضعیف به رویدادها و روندهایی با احتمال اندک و میزان تأثیر اندک یاد می‌کنند. (سیفی کلستان و پدارم ۱۳۹۹: ۴۵-۴۰) برای شناسایی شگفتی سازها و نشانک‌های ضعیف از روش‌های متنوعی بهره می‌گیرند که رایج‌ترین آن‌ها ذهن‌انگیزی و مصاحبه خبرگانی در مورد یک مسئله با

¹weak signals

هدف شناسایی آنهاست. در پژوهش حاضر نیز بعد از شناسایی پیشرانها در قالب یک پرسش از خبرگان خواسته شد که شگفتی سازها و نشانه های ضعیف در خصوص آینده نظم منطقه خاورمیانه با تکیه بر کنشگری ایران و عربستان ذکر نمایند که بعد از ارزیابی و فیلتر آن ها بر اساس مولفه هایی همانند آسیب پذیری، پیامدها و اثرگذاری تعداد ۲ پیشران شگفتی ساز و تعداد ۲ مورد نشانک ضعیف استخراج گردیده که در مبحث سناریو نویسی تاثیر هریک از آن ها بر سناریوها از نگاه خبرگان سنجیده شده است.

جدول شماره ۴: شگفتی سازها و نشانک های ضعیف آینده کنشگری ایران و عربستان

شگفتی سازها	نشانک های ضعیف
فروپاشی عربستان سعودی و نظم سلفی محور	گفتگو و مذاکره بین دو کشور (مصالحه)
فروپاشی ایران و نظم مقاومت محور	وقوع جنگ مستقیم بین دو کشور ایران و عربستان

منبع: نگارندگان

۴. تحلیل پیشرانها

۴-۱. منازعات سرزمینی و ژئوپلیتیکی

خاورمیانه منطقه ای است که در طی سالهای گذشته بیش از سایر مناطق جهان با منازعه روبرو بوده است. از ۱۴۸ مورد منازعه و جنگ که طی ۴۰ سال گذشته در جهان روی داده، ۴۸ مورد آن در منطقه خاورمیانه بوده است. بسیاری از کشورهای خاورمیانه با یکدیگر اختلافات مرزی و سرزمینی دارند؛ چرا که مرزهای طبیعی در این منطقه وجود ندارد و اغلب مرزها تحمیلی بودند که قدرت های بزرگ غربی آن را تعیین کردند. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴). سرچشمه ی مناقشات و تنازعات بین کشورها غالباً از چهار نوع منازعه مرزی مکانی، سرزمینی، عملکردی و منازعات مربوط به منابع در دو سوی مرز نشأت می گیرد. جملگی این مسائل را به نحوی می توان در گستره ی خاورمیانه یافت. اختلافات سرزمینی در مورد این است که کدام کشور حق حاکمیت در قطعه ای خاص از سرزمین را دارد. اختلافات میان ترکیه و عراق بر سر موصل و کرکوک را می توان مصداقی بارزی از این مورد قلمداد کرد. اختلاف مکانی که شامل اختلاف نظرها در مورد تفسیر اسناد مشخص کننده ی مرز است. اختلافات ایران و عراق بر سر اروند روند تا ۱۹۷۵ که هردوی اینها ممکن است منجر به تغییر محل مرز شود از نوع مکانی بود. اختلافات کارکردی، در نتیجه تأثیراتی بروز می کند که مرز در

حرکت مردم و کالاها می‌گذارد. اختلافات چندساله اخیر ایران و پاکستان بر سر حمله گروهک‌های تروریستی از خاک پاکستان به مواضع نظامی ایران در جنوب شرق کشور در قالب این گونه‌ی اختلاف قابل تبیین است. اختلافات بر سر توسعه‌ی منابع، لزوماً خود مرز را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد بلکه بیشتر بر سر منابع مشترک بین کشورها و نحوه بهره‌برداری از آن‌هاست. اختلافات مرزی عراق و کویت در این خصوص قابل اشاره است.

۴-۲. رشد افراط‌گرایی دینی/تروریسم سلفی

پیدایش پدیده تروریسم سلفی به عنوان یکی از مؤلفه‌های شگفتی‌ساز در اواخر قرن بیستم به مثابه مولود افراط‌گرایی، از جمله پیشران‌هایی است که در چند دهه اخیر هم محیط امنیتی منطقه خاورمیانه و هم نظم‌های امنیتی آن را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. بسیاری از محققان عوامل ظهور افراط‌گرایی در این منطقه را محصول شرایط، فرآیندها و کاتالیزورها همچون تضاد فکری و ساختاری با غرب‌گرایی در آموزه‌های مذاهب مختلف و یا شکست‌های مدل‌های توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی و فقر گسترده در این منطقه می‌دانند. فرایندها محصول روندها و تحولاتی هستند که در این منطقه در طول زمان به وقوع پیوسته است. برای مثال، تلاش‌ها جهت تجدید حیات اسلامی، حمایت‌های مالی خارجی از بنیادگرایی اسلامی و افراط‌گرایی و یا رشد شبکه‌های رادیکال اسلامی در سایه ظهور رسانه‌های همگانی از جمله این فرآیندها هستند. کاتالیزورها هم ابزارهای تکاملی و به سخنی شتاب‌دهنده‌ای بوده‌اند که توانسته‌اند پویایی‌های سیاسی را در بسیاری از کشورهای منطقه را به نحو اساسی تغییر داده‌اند. به عنوان مثال جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس، حادثه یازده سپتامبر، قیام‌های شکل گرفته در کشورهای عربی از جمله کاتالیزورهای مبنایی و بسترساز برای رشد افراط‌گرایی و به تبع آن شکل‌گیری پدیده تروریسم در این منطقه بوده‌اند (36 Rabasa et al, 2004). این عوامل در کنار بهره‌برداری‌های سیاسی کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی از گروه‌های سلفی-جهادی افراط‌گرا برای تغییر در معادلات نظم منطقه‌ای، می‌تواند ثبات سیاسی در خاورمیانه را در طی دهه‌های آتی تحت تأثیر خود قرار دهد.

۴-۳. رقابت‌های گفتمانی درون منطقه‌ای

در خاورمیانه وجود ایدئولوژی‌هایی مختلفی همانند سکولاریسم، ناصریسم، بعثیسم، صهیونیسم، وهابیت و اصولگرایی اسلامی به منازعات گفتمانی کشورهای این منطقه دامن زده است. (جعفری

ولدانی، ۱۳۸۸: ۴۷) گفتمان‌های متعارض و تلاش آن‌ها جهت تفوق و غالب ساختن الگوی مد نظر خود، رقابت‌های هویتی را به سمت رقابت‌های ژئوپلیتیکی سوق داده است. تداوم و تشدید رقابت‌های گفتمانی در منطقه خاورمیانه روز به روز به پیچیده‌تر شدن معمای امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و... افزوده است. بعضی از صاحب‌نظران بر این اعتقادند که پس از اشغال فلسطین منطقه خاورمیانه از نظر ژئوپلیتیکی دارای اهمیت خاصی گردیده و به یکی از حوزه‌های مهم قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. کشورهای منطقه، طی این شش دهه در تعامل با بازیگران بین‌المللی، ائتلاف‌های متعدد رسمی و غیر رسمی متعددی را در منطقه ایجاد کرده‌اند. این ائتلاف‌ها غالباً یا علیه رژیم اسرائیل و حامیان آن بوده است یا به نفع این رژیم منعقد شده‌اند (هینبوش و احتشامی، ۱۳۸۲: ۵۰). شاید بتوان اصلی‌ترین رقابت‌های گفتمانی در حال حاضر در این منطقه را بین دو جریان گفتمان اسلام‌گرایی انقلابی و جریان گفتمان اسلام‌گرایی سلفی دانست (صالحی، ۱۳۹۱: ۱۰۰-۹۱). مشخصه‌های اصلی هریک از آن‌ها و نوع نگاه به کلان موضوعات منطقه در قالب جدول ذیل اشاره شده است.

جدول شماره ۵، مقایسه نظم انقلابی و سلفی

نظم انقلابی گری	نظم سلفی غربی
بازیگران: جمهوری اسلامی ایران و متحدین منطقه‌ای آن	بازیگران: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و... باحمایت کشورهای غربی
تأکید بر الگوی امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس بر پایه ترتیبات امنیتی بومی بدون حضور ابرقدرت‌ها.	ایجاد توازن قدرت در منطقه خلیج فارس و مدیترانه شرقی به ویژه در قبال ایران با خریدهای غیرمتعارف و سرسام‌آور تسلیحات و تشکیل ائتلاف‌های عربی
تأکید بر احترام متقابل در روابط با تمامی کشورهای منطقه.	تلاش ریاض برای رهبری تام در بین اعضای شورای همکاری.
تلاش برای حل عادلانه مسئله فلسطین و ایجاد کشور مستقل فلسطینی به پایتختی قدس شریف و بازگشت تمامی آوارگان به سرزمین اصلی خود.	سیاست فعال در قبال صلح اعراب و اسرائیل با محوریت ریاض و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی.

خروج نیروهای آمریکایی از آب‌های خلیج فارس و لغو توافق‌نامه‌های امنیتی کشورهای عربی با آنها	دامن زدن به پروژهای ایران هراسی ^۱ و شیعه هراسی ^۲ به بهانه تشکیل هلال شیعی ^۳ با هدف تشکیل پیمان‌های نظامی یک جانبه و چند جانبه با نیروهای فرا منطقه‌ای.
مشارکت فعال در جنگ با تروریسم در منطقه برای جلوگیری از نقض حاکمیت‌های ملی و همچنین جلوگیری از شکل‌گیری دولت‌های سلفی رادیکال	حمایت از گروه‌های تروریستی در کشورهای عربی به بهانه حمایت از معارضین میانه‌رو برای سرنگونی حاکمیت‌های مخالف و غیرهمسو.
نسبت به نظم جهانی دیدگاهی تجدیدنظر طلبانه و ناهمسو دارد.	همسویی و پیوند نظم منطقه‌ای و نظم جهانی

منبع: نگارندگان

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ در تحلیل نرم‌افزار میک مک نیز قابل مشاهده است، کلیدی‌ترین و استراتژیکی‌ترین متغیر تأثیرگذار بر نظم امنیتی آینده‌ی منطقه خاورمیانه، رقابت-های گفتمانی درون منطقه است. این پیشران توانسته است سایر مسائل و متغیرهای این منطقه را در حال حاضر و حتی در آینده تحت تأثیر خود قرار دهد.

۴-۴. نقش قدرت‌های فرا منطقه‌ای

ایالات متحده آمریکا: این کشور به عنوان اصلی‌ترین بازیگر بین‌المللی با توجه به علایقی چون دسترسی به منابع نفت و گاز، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، تحت کنترل نگه‌داشتن تروریسم، ممانعت از ایجاد قدرت منطقه‌ای غیرقابل کنترل و برقراری ثبات در کشورهای همسو دل‌بستگی خاصی به منطقه خاورمیانه برای حفظ منافع خود دارد. (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۱۵) این کشگر پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ایالات متحده و هم‌پیمانان به بهانه مبارزه با افراط‌گرایی، زمینه حضور نظامی خود را در افغانستان و عراق فراهم کردند. (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۱-۲۳) در واقع ائتلاف غربی با سرکردگی ایالات متحده آمریکا در راستای عملی نمودن پروژه بالکانیزه نمودن کشورهای منطقه خاورمیانه در بلندمدت سعی دارد تا با تقویت گرایش‌های گریز از مرکز با دامن زدن به بحران‌های اجتماعی و قومی به اهداف خود از جمله برهم زدن توازن قدرت منطقه‌ای به نفع رژیم صهیونیستی است دست یابد. (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

1- Iran Phobia
2- Shia-Phobia
3 - Shi'ite Crescent

فدراسیون روسیه: سابقه سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به روابط روسیه تزاری با کشورهای منطقه می‌رسد؛ در آن زمان روسیه تزاری با پیشروی در شمال ایران با نفوذ سیاسی - نظامی بریتانیا در کشور همسایه‌اش یعنی ایران مقابله می‌کرد. روسیه کمونیستی، کارگران مسلمان شرق را متحدانی تلقی می‌کرد که در منازعه انقلابی با استعمار و سرمایه‌داری غرب مقابله می‌نمایند. پس از جنگ دوم جهانی، یعنی هنگامی که اتحاد شوروی به یک ابر قدرت تبدیل شد، نقش سیاسی، نظامی و اقتصادی فعال‌تری را در خاورمیانه ایفا نمود. این مسئله در جنگ سرد میان اتحاد شوروی و ایالات متحده به نمایشی بدل گردید. در حقیقت، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در هر مرحله از تاریخ این کشور شاهد تغییر و تحولات متأثر از برهه تاریخی خاص بوده است (Trenin, 2013). هم‌جواری جغرافیایی میان منطقه خاورمیانه و مرزهای روسیه سبب شده تا این کشور امنیت خود را در گرو امنیت این منطقه بداند. بدین معنا که بروز هرگونه اختلال در صلح و ثبات منطقه ممکن است امنیت روسیه را به مخاطره انداخته و این کشور را وارد منازعاتی ویرانگر و خطرناک می‌سازد. علت اصلی این نگرانی نیز آن است که بیش از بیست میلیون مسلمان در نوار جنوبی این کشور خصوصاً در بخش قفقاز شمالی ساکن هستند. افزایش نرخ زاد و ولد مسلمانان در روسیه به موازات کاهش جمعیت اسلاوی ارتدوکسی روسیه، این نگرانی را تشدید نموده است. (Cohen, 2007) علاوه بر این، به لحاظ امنیتی؛ روسیه از منابع اسلام رادیکال در خاورمیانه که برخی از آنها از افراطی‌گرایان داخلی روسیه در قفقاز شمالی نیز تغذیه می‌شوند احساس نگرانی می‌کند. بیش از یک دهه، جدایی‌طلبان و تروریسم‌های جنگ‌طلب چچنی، بزرگ‌ترین خطر را برای امنیت ملی روسیه ایجاد نموده‌اند. تجربه تلخ دو مرتبه لشکر-کشی‌های چچن، منشوری است که رهبران روسیه از طریق آن حس می‌کنند، تهدیدات امنیتی از جنوب وارد می‌شود. در واقع بحران چچن باعث شد تا بسیاری از گروه‌های افراط‌گرای مذهبی، در سرزمین روسیه رخنه نموده و با قرار گرفتن در کنار مبارزین چچنی به انجام فعالیت‌هایی نظیر قاچاق تسلیحات و پول، بکارگیری جوانان محلی، ترویج جدایی‌طلبی و تحریک نواحی مسلمان‌نشین به جدایی از روسیه، مبادرت ورزند. (Trenin, 2010, 4).

چین: اهمیت اقتصادی سرزمین خاورمیانه و شمال آفریقا موسوم به منطقه‌ی منا^۱ از زمره مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌ای است که مقامات چینی بیشتر از این منظر به مسائل منطقه نگاه می‌کنند. در دهه‌های اخیر مطابق خوانش چینی‌ها از سیاست بین‌الملل گزینه‌ی مداخله‌ی نظام در خارج از

^۱- Mena (Middle East & North Africa)

جغرافیای پیرامونی این کشور مناسب نیست (dorseyk, 2015:14). آنها ضمن احتراز از رویکردهای تهاجمی سیاست‌های خود را بر توانمندی دفاعی متمرکز ساخته‌اند. قدرتمندی دفاعی را نیز تابعی از توسعه‌یافتگی اقتصادی و رونق تجارت خارجی می‌دانند. چینی‌ها هر چند واقف هستند که مسائلی نظیر فرقه‌گرایی^۱، تنش‌های هویتی و ایدئولوژیکی نقش تعیین‌کننده‌ای در پویش‌های امنیتی خاورمیانه دارد، اما صرف‌نظر از این مسائل، غالباً از بعد تجاری و اقتصادی وارد می‌شوند. لذا بر این اعتقادند که از این طریق منافع آن‌ها با توجه به افت و خیزهای ایدئولوژیک و تغییر و تحولات دائمی در این منطقه‌ی امنیتی شده، مصون خواهد ماند. به همین خاطر همزمان به صورت هم‌زمان با حاملان نظم سلفی، انقلابی، صهیونیستی و اخوانی مرابده دارند. نکته دیگر اینکه رشد خزنده‌ی اقتصادی چین و لزوم سرمایه‌گذاری در بازارهای مستعد خاورمیانه و شمال آفریقا و به ویژه خط ابریشم جدید موسوم یک کمربند و یک جاده^۲ مستلزم کاهش تنش و وجود بسترهای امن در مسیرهای تجاری و مراکز مصرف کالا از یک‌سو و منابع تولید انرژی نفت و گاز از سوی دیگر است. پایداری ثبات و امنیت در خاورمیانه امنیت انرژی و تردد دریایی کریدورهای انتقال انرژی به کشور چین را نیز تضمین خواهد کرد. چین هم‌زمان با این مسائل پیوندهایی نزدیکی با برخی کنشگران منطقه به ویژه کشورهای ضد آمریکایی نظیر ایران جهت جلوگیری از هژمونی ایالات متحده به عنوان رقیب تجاری اصلی این کشور در سطح جهانی، برقرار ساخته است. بدون تردید هژمونی آمریکا در این منطقه ترجمانی از غلبه بر بازارهای مصرف کالاهای چینی است. الگوی مطلوب چینی‌ها دست کم در بازه زمانی میان مدت در منطقه‌ی خاورمیانه شکل‌گیری نظم چندقطبی بدون استیلای یک کشور خاص و تقسیم قدرت میان کنشگران مختلف است.

۴-۵. آینده بحران‌های منطقه‌ای / سوریه و یمن

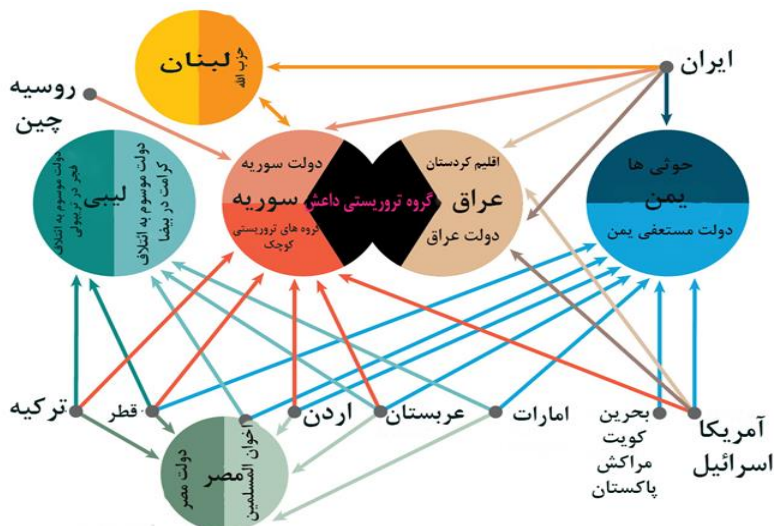
به واسطه‌ی وجود چندپارگی‌های قومی و مذهبی، مرزبندی‌های مصنوعی در گذشته توسعه کشورهای استعمارگر و مداخله‌گری قدرت‌های نو استعماری کنونی، شکل‌گیری و افول بحران‌ها به صورت ادواری و ممتد از زمره وجوه پایدار در منطقه‌ی خاورمیانه بوده است. در شرایط کنونی کانون‌های بحران زیادی در منطقه فعال هستند و گروه‌های زیادی مشغول منازعه و پاک‌سازی همدیگر می‌باشند. کانون‌های یمن، لیبی و سوریه در حال حاضر

1- Sectarianism

2- One Belt, One Road

فعال هستند و در عراق، لبنان و مصر تا حد زیادی بحران‌ها افول پیدا کرده و به صورت نیمه فعال و تا حدی خاموش باقی مانده‌اند و هم‌زمان منازعات به سمت رقابت‌ها و یارگیری‌های حزبی تغییر جهت داده است. ولی در آینده تشدید بحران‌ها در این کشورها نیز محتمل است. به دلیل حجم و گستردگی کنشگران مداخله‌گر در بحران‌های سوریه و یمن از یکسو و موقعیت راهبردی این دو کشور از جانب دیگر، نقش زیادی در جایگاه کشورها و به تبع شکل‌گیری نظم‌های نوین امنیت منطقه‌ای بر جای خواهد گذاشت. به همین خاطر است که بازیگران ذی‌نفع و ذی‌نفوذ به ویژه ایران و عربستان و متحدان آن‌ها به این بحران‌ها به مثابه‌ی نبردهای نهایی نگاه کرده و از تمام راه‌های ممکن جهت پیروزی نهایی و مستولی شدن در خاورمیانه بهره می‌گیرند. نمودار ذیل نشان‌دهنده کانون‌های بحران کنونی در خاورمیانه و یارگیری بازیگران مختلف در آن است.

نمودار شماره ۶، بحران‌های منطقه‌ای فعال در خاورمیانه



Source: <http://blog.ulverstonvictoria.cumbria.sch.uk/geography/24/05/2016/year-13-middle-east-and-energy-geopolitics-links-from-todays-lesson/>

۴-۶. رقابت بر سر انرژی

منطقه‌ی خاورمیانه را می‌توان ابرقدرت انرژی در مقیاس جهانی به شمار آورد، اما به دلیل اینکه سایر مناطق به ویژه اروپا و شرق آسیا فاقد منابع فسیلی هستند و یا استحصال این

منابع به لحاظ اقتصادی و منطق هزینه - فایده چندان مناسب نیست، لذا نوعی وابستگی بین مراکز تولیدی و مصرفی به وجود آمده است. در کنار این موضوع مسئله مهم‌تر معبرها و شریان‌های زمینی و دریایی صادرات و واردات انرژی است. بسیاری از منابع فسیلی نفت و گاز به صورت طبیعی بین دو یا چند کشور مشترک است. لذا مسائلی از قبیل چشمداشت کشورهای فاقد منابع فسیلی، حفظ امنیت یا تلاش جهت اخلال در معابر ارسال انرژی خاورمیانه را مستعد بحران‌سازی ساخته است. بحران‌های موجود در بخش انرژی را می‌توان در مواردی نظیر حمله نظامی به کشورهای با منابع غنی انرژی جهت تأمین سوخت خود یا به دست آوردن منابع بیشتر (حمله نظامی عراق به کویت)، تنش و شکل‌گیری بحران میان کشورهای با منابع مشترک (رقابت میان ایران و قطر و عربستان و یمن)، حفظ امنیت خطوط انرژی با ناامن کردن معابر عبوری انرژی کشورهای رقیب با هدف کاهش منابع تولیدی آن‌ها در بازار مصرفی (خطوط لوله عربستان توسط انصار الله یا خط لوله صلح ایران از جانب کشورهای غربی) ملاحظه کرد. بر اساس جدیدترین آمار تخمین زده شده که منطقه‌ی خاورمیانه قریب به ۵۲/۵ درصد از کل نفت دنیا و ۴۴/۶ درصد از ذخایر گاز دنیا را در اختیار دارد (zulfqar, 2018: 121). به همین دلیل لزوم دسترسی کشورهای فاقد سوخت به این منابع از یک سمت و نیازمندی‌های درآمدی دارندگان منابع فسیلی به دلیل نظام رانتیر آن‌ها، حساسیت ویژه‌ای به مسئله انرژی داده است؛ با وارد شده کوچک‌ترین شوک‌ها در این بخش می‌توان شاهد بحران‌های خطرناکی بود. مبنای بسیاری از بحران‌های در جریان کنونی نیز به نحوی به انرژی بر می‌گردد؛ به عنوان نمونه مدت‌ها قبل از بحران سوریه نوعی رقابت میان ایران و قطر جهت احداث خط لوله‌ای به منظور صادرات نفت و گاز به اروپا برقرار بود. یا اینکه یکی از دلایل تهاجم عربستان به یمن تلاش جهت تسخیر مناطق نفت خیر این کشور و تسلط بر استان‌های حضرموت، بندر راهبردی مکلا، بندرالحدیده و گذرگاه باب‌المندب با هدف احداث خطوط لوله‌ی جدید صادرات انرژی با ضریب امنیت بالا در قیاس با تنگه هرمز و در نتیجه مصون ماندن از تهدیدات ادواری ایران بوده است.

۴-۷. بی‌ثبات سیاسی دولت‌ها (دولت‌های زمان پریش و ورشکسته)

یکی از پیشران‌های اصلی و تعیین‌کننده در نظم نوین خاورمیانه، ثبات/ بی‌ثباتی در واحدهای سیاسی این منطقه است. هم‌اکنون تعداد زیادی از دولت‌های خاورمیانه از جمله

بی‌ثبات‌ترین موجودیت‌ها در مقیاس جهانی هستند و هیچ چشم‌انداز روشنی جهت تغییر این وضعیت در آینده وجود ندارد (H. Cordesman, 2018:1). بی‌ثباتی سیاسی در این دولت-ها معلول دلایل متعددی از جمله شکست در توسعه سیاسی و بحران مشروعیت، عدم چرخش نخبگان، فقدان توسعه اقتصادی و وجود فقر، بحران توزیع و بیکاری گسترده، فشارهای جمعیتی، فساد لجام‌گسیخته و عدم شفافیت در نظام‌های قضایی، ظهور و بروز پدیده‌ی افراط‌گرایی و تروریسم، مداخله‌ی عناصر خارجی و نظایر آن می‌باشد. دولت‌های مستقر در این کشورها کار ویژه‌های حکمرانی خوب را به نحو مناسب و به موقع انجام نمی‌دهند. لذا این مسائل بسترهای بروز بحران و تنش درون کشوری و ریزش اعتماد عمومی نسبت به سیستم‌ها و به تبع آن پرخاشگری از ناحیه‌ی جمعیت‌های طرد شده را فراهم می‌سازد. معمولاً در پرتو چنین شرایطی مداخله‌ی عامل مداخله‌گر خارجی نیز در به بلوغ رسیدن بی‌ثباتی‌های داخلی در کشورهای خاورمیانه مزید بر علت خواهد شد.

۴-۸. رقابت تسلیحاتی میان کشورهای منطقه

بیش از هر منطقه‌ای در جهان، خاورمیانه به جای پیوندهای تجاری، مناسبات دیپلماتیک، سازمان‌های بین‌المللی، در سپهر رقابت‌های تسلیحاتی و الگوی نظامی سازی اداره می‌شود. شواهد و قرائن نشانگر این است که تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی^۱ این مسئله کماکان تداوم پیدا خواهد کرد (Cammack, 2018:2). رقابت‌های تسلیحاتی بیش از آنکه ناشی از مسائل درون منطقه‌ای باشد، الگویی تحمیلی از سوی کنشگران خارج از منطقه نظیر آمریکا، روسیه، اسرائیل، فرانسه، انگلیس و کانادا است؛ چرا که رونق کسب و کار کمپانی‌های تولید سلاح در این کشورها منوط به وجود فضایی ناامن و بحرانی در مناطق مختلف جهان به ویژه خاورمیانه است. سیاست تورم بحران و تهدید در ساحه‌ی خاورمیانه خوانشی از فروش دائمی سلاح به این منطقه است. سلاح‌هایی که عموماً در دالان بحران‌های منطقه‌ای و پاک‌سازی‌های قومی - نژاد در سوریه و یمن مصرف می‌شود مواردی است که توسط برخی کشورهای خاورمیانه نظیر امارات و عربستان خریداری شده‌اند. رویکرد کشورهای سازنده اسلحه نیز معمولاً این است که با هراس‌نمایی و تهدید‌نمایی کنشگران درون منطقه‌ای نسبت به همدیگر، فضای تنش میان آن‌ها را برقرار می‌سازند. طبیعتاً در سپهر وجود رقابت میان ایران و عربستان آمریکایی‌ها به نحو بهتری قادر خواهند

^۱ - Foreseeable Future

بود قراردادهای هنگفت فروش تسلیحات را با سعودی‌ها انعقاد کنند. هم‌اکنون عربستان سعودی به انبار باروتی از سلاح‌های وارد شده از خارج مبدل شده است. طبیعتاً متحدان خارجی این کشور آن‌ها را به سمت کاهش این انبارها و مصرف در بحران‌های منطقه‌ای و جایگزین ساختن آن‌ها با خرید سلاح‌های جدید ترغیب می‌کنند.

۴-۹. قیام‌های عربی و سیال بودن ائتلاف‌ها

میان اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی این اتفاق نظر وجود دارد که قبل از قیام‌های موسوم به بهار عربی^۱ این کشورها دچار تزلزل اقتصادی شده بودند و این مسئله در کنار فساد و استبداد سیاسی دائمی، نبود آزادی‌های مشروع و برخورد‌های اطلاعاتی و نظامی قهرآمیز با گروه‌های مخالف، جوامع کشورهای لیبی، تونس، مصر، عربستان، بحرین، یمن، کویت و امارات را در معرض انفجار اجتماعی قرار داده بود. در برخی از موجودیت‌های عربی نظیر مصر، لیبی و تونس انقلاب‌ها به سرانجام رسید، اما در کشورهای بحرین، یمن، عربستان و کویت دستگاه‌های اطلاعاتی به صورت شدید قیام‌ها را سرکوب کرده‌اند. عربستان سعودی در تلاش است تا در کشورهای که منافع خود را در خطر می‌بیند حرکت‌های انقلاب را از مرحله‌ی بهار غربی وارد فصل نوینی به نام زمستان عربی^۲ کند (Malmvig and Markus Lassen, 2013:41). وجه بارز این حرکات این است که قدرت سیاسی در این کشورها با تغییرات ساختاری مواجه شده است.

۴-۱۰. تضاد عینی در منافع بازیگران:

موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع غنی انرژی، شریان‌های حیاتی، رقابت‌های ژئواکونومیک، دولت‌های توسعه‌نیافته و ورشکسته، بازارهای اقتصادی جدید، اختلافات سرزمینی، تنش‌های بین سرزمینی، تنش‌های قومی و مذهبی، جملگی منجر به وجود فضای امنیتی تعارض گونه و دیگر ستیزی در منطقه‌ی خاورمیانه گشته است. جناح‌بندی‌های درون منطقه‌ای و میان منطقه‌ای نیز اوضاع سیاسی منطقه را پیچیده‌تر ساخته است. همین تعارضات و تضادها در آینده منشأ شکل‌گیری شگفتی‌سازهایی خواهد بود که ساحت منطقه را با تغییرات جدیدی مواجه می‌سازد.

^۱- Arab Spring

^۲- Arab Winter

۵. سناریوهای آینده نظم نوین امنیتی منطقه خاورمیانه.

به واسطه اینکه آینده پژوهی علمی ارزش مدار است و از سویی همواره بازیگران سعی در رسیدن به مطلوبیت های راهبردی خود دارند، لذا پدیدار شدن یک سناریو غالباً در برگیرنده برخی منافع برای یک یا تعدادی از بازیگران و ضررها و ناکامی هایی برای دیگر کنشگران است. به همین خاطر هر بازیگری در تلاش است با سازمان دهی مولفه های قدرت خود، بازیگری فعال و عقلانی و ایفای نقش به صورت پیش دستانه، جهت تحولات را به سمت مسیر تأمین منافع خود تغییر دهد. سناریوهای موجود در جدول ذیل مطابق با فراخوان خبرگانی صورت گرفته طرح دیده شده اند. به طول کلی می توان مهم ترین سناریوهای آینده نظم در منطقه خاورمیانه را در جدول ذیل ملاحظه کرد. در این جدول زمینه های تاثیرگذاری مثبت هر پیشران بر هر سناریو با علامت ✓ و زمینه های عدم تاثیر و بازدارندگی هر پیشران بر هر یک از سناریوها با علامت ✗ نشان داده شده است.

جدول شماره ۷: سناریوهای آینده نظم منطقه خاورمیانه بر اساس پیشرانها

سناریوهای آینده نظم منطقه خاورمیانه						دسته بندی پیشرانها
سناریوی هژمونی نظم انقلابی گری	سناریوی هژمونی نظم سلفی- غربی	سناریوی موازنه قوا	سناریوی کنسرت قدرت های منطقه ای	سناریوی نظم دسته جمعی چند جانبه	سناریوی فروپاشی نظم فعلی و بی نظمی	
✓	✗	✓	✗	✗	✗	آینده بحران های سوریه و یمن
✗	✗	✓	✗	✗	✓	پیشران های کلیدی (استراتژیک)
✗	✗	✓	✗	✗	✗	منازعات ژئوپلیتیکی رقابت های گفتمانی درون منطقه
✗	✗	✓	✗	✗	✓	تضاد عینی در منافع بازیگران
✗	✓	✓	✗	✗	✗	نقش قدرت های فرا منطقه ای
✗	✓	✗	✗	✗	✓	رشد افراط گرایی مذهبی
✓	✗	✗	✗	✗	✓	بی ثبات سیاسی دولت های

						منطقه	پیشران‌های نیمه کلیدی
✓	×	×	✓	×	×	رقابت تسلیحاتی کشورهای منطقه	
✓	×	×	✓	×	✓	قیام‌های عربی وسپال بودن ائتلاف‌ها	
✓	×	×	✓	×	×	رقابت بر سر انرژی	پیشران‌های تنظیمی
✓	✓	×	×	×	✓	فروپاشی عربستان سعودی و نظم سلفی	شگفتی‌سازها
✓	×	×	×	✓	×	فروپاشی ایران و نظم مقاومت محور	
×	×	×	✓	×	×	گفتگو و مذاکره بین دو کشور (مصالحه)	نشانه‌های ضعیف
✓	×	×	✓	×	×	وقوع جنگ بین دو کشور ایران و عربستان	

منبع: نگارندگان

۵-۱ تشریح سناریوها

الف. سناریوی هژمونی نظم ایرانی - اسلامی

سناریوی هژمونی نظم انقلابی گری وضعیتی است که برای کشور ایران بیشترین مطلوبیت راهبردی را در پی دارد. طی این سناریو ایران در عرصه داخلی به یک نمونه و مدل از حکمرانی موفق مبدل شده و پس از آن در عرصه منطقه‌ای نظم مطلوب خود را گسترانده است. ملت‌های منطقه نیز چنین نظمی را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در واقع ایران در تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی قدرت اول منطقه به شمار می‌رود. این سناریو در مسیر تبدیل شدن به واقعیت عینی و به تعبیری نظم اصلی منطقه با چالش‌های زیادی مواجه است. چالش‌های این سناریو ناظر بر مخالفت کشورهای درون منطقه‌ای، ایدئولوژی‌های رقیب همچون نظم اخوانی و سلفی، مانع‌سازی قدرت‌های مخالف برون منطقه‌ای به ویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه است. در واقع تضادهای عینی و رفتاری بازیگران متعدد و ذی نفع در سطح منطقه خاورمیانه از عینیت یافتگی این سناریو ممانعت به عمل خواهد آورد. گرچه مطلوب ترین سناریو برای ایران سناریوی هژمونی نظم انقلابی گری در منطقه خاورمیانه است، اما تجزیه و تحلیل

پیشران‌های تاثیرگذار بر شکل‌دهی به آینده نظم این منطقه براساس منطبق واقع‌گرایی بیانگر آن است که شرایط لازم برای حاکمیت این نظم تا سال ۲۰۳۰ به طور کامل (خارج از وقوع پیشران شگفتی ساز فروپاشی عربستان سعودی) وجود ندارد. در واقع بازدارنده‌های این سناریو بر اساس نظرات اخذ شده خبرگان، که در جدول سناریوها آمده، بیشتر از تعداد پیشران‌های شکل دهنده به این نوع نظم در آینده منطقه خاورمیانه است.

ب. سناریوی هژمونی نظم سلفی - غربی

این سناریو ناظر بر حالتی از آینده است که عربستان سعودی با حمایت کشورهای غربی قادر شده تا نظم سلفی مورد نظر خود را در منطقه گسترش دهد. روی دیگر این مسئله انزوای ایران و نظم انقلابی‌گری است. کشورهای غربی طی روند عملیاتی شدن این سناریو بیشترین حمایت را از عربستان و الگوی سلفی - وهابی به عمل آورده‌اند و البته کشورهای سنی نیز در راستای هژمون شدن خود سعی دارند که از ظهور رقبا و مدعی پایدار جلوگیری کنند (Wilf, 2017:5). باید بیان داشت واقعیات محیط پرچالش خاورمیانه از جمله رقابت بر سر انرژی، بی‌ثبات سیاسی دولت‌های منطقه، رقابت تسلیحاتی کشورهای منطقه، آینده بحران‌های سوریه و یمن، قیام‌های عربی و سیال بودن ائتلاف‌ها و تضاد عینی در منافع بازیگران، چالش‌های بازدارنده‌ای هستند که از هژمونی نهایی نظم سلفی - غربی (خارج از وقوع پیشران شگفتی ساز فروپاشی ایران و نظم مقاومت محور) جلوگیری می‌کند. در واقع در ارزیابی نهایی باید گفت که پیشران‌های سازنده و مثبت این سناریو از قدرت تعیین‌کنندگی به مراتب پایین‌تری در قیاس با بازدارنده‌های جلوگیری‌کننده و منفی‌ساز برخوردارند.

پ. سناریوی نظم موازنه قوا

موازنه قوا وضعیتی است که هیچ‌کدام از کنشگران اصلی خاورمیانه از جمله ایران، عربستان، ترکیه، اسرائیل و آمریکا قادر به هژمون ساختن نظم مطلوب خود نیستند. با اینکه رقابت شدیدی میان طرفین به منظور کاهش شدید قدرت دیگری و افزایش چشمگیر سطح قدرت خود وجود دارد، با این وجود ارزیابی پیشران‌های اصلی منطقه نشانگر کشش و جاذبه به سمت موازنه و تقسیم قدرت است. به همین صورت باید توجه داشت که با وجود پیشران‌های شکل دهنده به نظم منطقه خاورمیانه این الگوی نظم پایدارترین حالت در طی چهار دهه اخیر در این منطقه بوده است و با توجه به جدول سناریوها و اخذ نظرات خبرگانی حتی در

صورت وقوع نشانک های ضعیف به نظر می‌رسد تداوم این الگو مطلوب‌ترین سناریو برای هر دو بلوک بندی قدرت براساس همگرایی و واگرایی بین کنش‌گران باشد.

ت. سناریوی کنسرت قدرت‌های منطقه‌ای و سناریوی نظم دسته‌جمعی چندجانبه

علت ادغام این دو سناریو بدین علت است که اشتراکات زمینه‌ای شکل‌گیری این نظم در آینده منطقه خاورمیانه کاملاً مشابه است. این دو سناریو ناظر بر وضعیتی هستند که کنشگران اصلی به این نتیجه رسیده‌اند که برقراری صلح در منطقه و کاهش سطح تنش تابعی از کنار نهادن برخی مشکلات پایه‌ای و هویت‌ساز است و ثبات پایدار هنگامی در منطقه برقرار می‌گردد که همه بازیگران ذی‌نفع در یک مجمع منطقه‌ای یا جهانی پیرامون مسائل اصلی بی‌ثبات‌ساز و تنش‌آفرین منطقه به تفاهم برسند. در حقیقت، ذیل این دو سناریو تفاهم و همراهی جایگزین جنگ و رقابت می‌گردد. در این سناریو تفاهم دسته‌جمعی کنشگران ذی‌نفع و ذی‌نفوذ ساحت منفی پیشران‌های شکل‌دهنده به آینده نظم منطقه‌ای را خنثی ساخته است. برخلاف سناریوهای قبلی که پیشران‌ها و بازدارنده‌های آنها مورد بررسی قرار گرفت، به نظر می‌رسد این دو سناریو در حال حاضر و تا افق زمانی سال ۲۰۳۰ هیچ‌گونه بستری برای تحقق در منطقه خاورمیانه ندارند. هرچند در سیاست‌های اعلامی جمهوری اسلامی ایران تحقق سناریوی نظم دسته‌جمعی چندجانبه یک سناریوی مطلوب برای آینده منطقه خاورمیانه است، اما هیچ نشانه‌ای دال بر توانایی محقق شدن این الگو در پیشران‌های مورد بررسی و حتی شگفتی‌سازها و نشانک‌های ضعیف یافت نمی‌شود. در حقیقت عناصر قوام بخش واگرایی میان کنشگران منطقه به سطحی از نهادینگی رسیده است که ساختار شکنی این عوامل به زمان طولانی و عقب‌نشینی بازیگران از بسیاری از مسائل هویت‌ساز نیاز دارد. به عنوان نمونه جمهوری اسلامی ایران به سختی نقش‌آفرینی اسرائیل در قالب یک دولت رسمی با مرزهای مشخص در خاورمیانه را می‌پذیرد. در واقع قرارگیری تمامی بازیگران در یک کنسرت دست‌جمعی به منظور اقتران رویکردهای آنها در مورد نظم آینده منطقه تابعی از وجود پیشران‌هایی تقریباً ناممکنی در بازه زمانی ۲۰۳۰ است.

ث. سناریوی فروپاشی نظم فعلی و بی‌نظمی

پیش فرض اصلی این سناریو این است که اکنون یک نظم شکننده بر منطقه حاکم است و همین نظم ضعیف از شدت درگیری‌ها و بحران‌های مدیریت نشده جلوگیری کرده است. اما به

مرور زمان مسائلی از جمله منازعات ژئوپلیتیکی میان بازیگران اصلی از کنترل خارج شده و مقابله و درگیری مستقیم میان بازیگران رسمی (نشانک‌های ضعیف) اجتناب‌ناپذیر است. چنین فضایی بستر مناسبی جهت رشد و گسترش افراط‌گرایی مذهبی میسر می‌سازد. از سوی دیگر رقابت بر سر سوخت‌های فسیلی و کنترل پایانه‌ها، تنگه‌ها و مسیرهای با اهمیت ژئوپلیتیکی برجسته و تأثیرگذار در صادرات و واردات انرژی بیش از پیش برجسته می‌گردد؛ چرا که در هزاره سوم میلادی انرژی و ژئوپلیتیک پیوند تنگاتنگ و بیش از پیشی با یکدیگر دارند (Arifoğan and Bilgin, 2009:110). در چنین محیط فاقد نظم پایدار، رقابت‌های تسلیحاتی به سطح بسیار بالا و غیرقابل بازگشتی پیش می‌رود، تا جایی که وضعیت هرج و مرج گونه‌ای پدیدار می‌گردد. به طور کلی باید گفت که نظرات اخذ شده خیرگانی در خصوص تحقق سناریوها بیانگر آن است که بعد از سناریوی تداوم موازنه قوا، محتمل‌ترین سناریو، فروپاشی نظم فعلی و حادث شدن دوره‌ای از بی‌نظمی و آشفتگی در منطقه خاورمیانه خواهد بود شگفتی‌سازهای کنشگران دو سوی نظم فعلی نیز بیانگر وقوع همین سناریو هستند. در صورتی که منطقه خاورمیانه با بار اضافی بحران در آینده در هر دو بلوک قدرت مواجه گردد و نظم فعلی موازنه قوا دچار فروپاشی گردد شکل‌گیری نظم جدید امری زمان‌بر و طولانی خواهد بود و منطقه خاورمیانه علاوه بر دچار شدن در یک بحران عمیق و گسترده یک دوره بی‌نظمی را پشت سر خواهد گذراند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌ها بود که سناریوهای آینده‌ی نظم منطقه‌ای تا سال ۲۰۳۰ در منطقه‌ی خاورمیانه چگونه خواهند بود؟ پیشران‌های شکل‌دهنده به آینده نظم منطقه‌ای دربرگیرنده چه متغیرهای اساسی است؟ شگفتی‌سازها و نشانک‌های ضعیف آینده پیرامون کنشگری ایران و عربستان در خصوص نظم منطقه‌ای دربرگیرنده چه مسائلی است؟ و سناریوهای مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قطب اصلی نظم موجود ذیل نظم نوین منطقه‌ای در سال ۲۰۳۰ کدام‌اند؟ در گام اول با تهیه پرسشنامه و شناسایی تعداد ۱۰ پیشران‌های اصلی و تأثیرگذار بر نظم فعلی و آینده منطقه شناسایی و تحلیل گردیدند. این پیشران‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر منافع و استراتژی‌های اتخاذی از جانب کنشگران منطقه‌ای (نظیر ایران، ترکیه، عربستان، اسرائیل، مصر، عراق و قطر، گروه‌های مقاومت) و

فرا منطقه‌ای (همانند آمریکا، انگلیس، فرانسه، فدراسیون روسیه، اتحادیه اروپا) قرار می‌گیرند. در مرحله بعد و در قالب یک پرسش از خبرگان با ارائه تعارف شگفتی سازها و نشانک‌های ضعیف خواسته شد که شگفتی سازها و نشانک‌های ضعیف بین دو کشور را شناسایی کنند که پس از ارزیابی وفیلتر آن‌ها از هر کدام از این مسائل تعداد ۲ عدد انتخاب گردید. از برهمکنش وضعیت پیشران‌ها، شگفتی سازها و نشانک‌های ضعیف و چارچوب نظری که برای بحث در خصوص الگوهای نظم منطقه ای انتخاب گردیده بود با اعمال تغییراتی پنج سناریو برای آینده نظم منطقه خاورمیانه طراحی گردید بررسی پیشران‌های بحران ساز و بلوک بندی‌های قدرت شکل گرفته در منطقه خاورمیانه بیانگر آن است که تغییر نظم این منطقه و گذار به یک نظم جدید حداقل در ده سال آینده امکان‌پذیر نیست و عینی‌ترین سناریو که در برگیرنده و تامین کننده منافع نسبی بازیگران اصلی بلوک بندی‌های قدرت منطقه‌ای خاورمیانه باشد تداوم الگوی موازنه قواست. همچنان که مجموعه رویدادهای سال‌های اخیر بیانگر حساسیت بلوک‌های قدرت به تثبیت نظم موازنه قوا در این منطقه و واکنش شدید نسبت به کنش‌های یکدیگر در جهت جلوگیری از به هم خوردن آن بود. به هم خوردن موازنه قوای شکل گرفته در نظم منطقه ای خاورمیانه هم یک فرایند زمان برو هم یک ریسک پرهزینه برای هریک از بلوک‌های قدرت است و برای بلوک غربی-سلفی آلترناتیو و چشم انداز مثبتی نیز در صورت به هم خوردن نظم فعلی وجود ندارد.

کتابنامه

- ابراهیمی، نبی اله. (۱۳۸۶). "الگوی نظم منطقه ای بازیگران خاورمیانه"، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۷)، «عربستان سعودی و نظم منطقه‌ای: از هژمون‌گرایی تا موازنه سازی»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال نهم، شماره سوم.
- آراس بولنت و کارکایا پولات رابیا، (پائیز ۱۳۸۶)، «از مناقشه تا همکاری؛ غیر امنیتی کردن روابط ترکیه با ایران و سوریه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ترجمه معصومه ظفرمند، سال شانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۹.
- امیدی علی، (خرداد و تیر ۱۳۸۶)، حقوق بین الملل و ساختن جزایر مصنوعی در خلیج فارس، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره نهم و دهم.
- ایزدی، جهانبخش و اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۵)، «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۵.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، چالش ها و منازعات در خاورمیانه، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی بوزان، باری، (۱۳۷۹) مردم، دولتها و هرا، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، (۱۳۸۱) خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش زا، ترجمه احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳.
- بوزان، باری، ویور، ال (۱۳۸۸) مناطق و قدرت ها: ساختار امنیت بین الملل، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری. (۱۳۸۸) «مشکل امنیت ملی در جهان سوم»، مترجم واحد ترجمه، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دو.
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۸)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوستین چی، زهره (۱۳۸۷)، «گذار از کمربند شکننده بازسازی امنیت همیارانه در خلیج فارس»، مجله ژئوپلتیک، شماره ۱۱.
- ترابی، قاسم و طاهری زاده، محمد ناصر (۱۳۹۸)، «روندهای مسلط منطقه‌ای و آینده نظم در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۱ شماره ۲ (۶۲).

سیفی کستان، ابوذر و عبدالرحیم پدرام (۱۳۹۹)، «مفهوم نشانه های ضعیف در آینده پژوهی» فصلنامه آینده پژوهی دفاعی، سال پنجم، شماره ۱۷.

عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر

عطایی، فرهاد و محمد منصوری مقدم (۱۳۹۱)، «تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع گرایانه بر بستری هویتی»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره اول

مورگان، پاتریک ام، (۱۳۸۱)، نظم های منطقه ای امنیت سازی در جهان نوین، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.

صالحی، حمید(بهار ۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و تکوین نظم نوین منطقه ای در خاورمیانه»، مطالعات راهبردی، ش ۱۵، شماره ۱

جوانپور، عزیز؛ بنی هاشمی، میرقاسم. (۱۳۹۲)، جنبش های انقلاب عربی؛ چشم اندازها و چالش های الگوی نوین دولت در بیداری اسلامی در جهان عرب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

کریمی، کامران. (۱۳۹۰)، مبانی واهداف سیاست خارجی عربستان سعودی، مرکز بین المللی مطالعات صلح.

لوئیس فاست (۱۳۸۷)، روابط بین المللی خاورمیانه ، مترجم احمد سلطانی نژاد ، تهران ،وزارت امور خارجه

ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۳)، «تاثیر فروپاشی نظم اخوانی بر مجموعه امنیتی خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم ،شماره ۹

داد اندیش، پروین و کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۹)، بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم.

فتحی و محمدجواد و دیگران (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه گرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره سی و ششم.

- فرجی، محمدرضا، رنجبرحیدری، وحید (۱۳۹۹) «نظم امنیتی منطقه خاورمیانه در وضعیت پیچیدگی»، فصلنامه مطالعات سیاستگذاری عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۵.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹)، «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم.
- کرم زادی، مسلم (۱۳۹۵)، سلفی گرایی جهادی - تکفیری و آینده‌تبات سیاسی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۱، بهار ۹۵، ص ۱۴۲-۱۱۳
- Boukhars, A., Brown, N.j., et al. (2014). *The Egypt Effect: Sharpened Tensions, Reshuffled Alliances*. <http://carnegieendowment.org/2014/02/13/egypt-effect-sharpened-tensionsreshuffled-alliances/h0tb#BROOKINGS> DOHA CENTER ANALYSIS PAPER. Number 10, February, 2014.
- Gurr, Ted Robert; Harff, Barbara. 1994. *Ethnic Conflict in World Politics* Westview Press, Aug 31, Political Science
- Petersen, J. L. (1999). *Out of the blue: How to anticipate big future surprises* (p. 4). Lanham, MD: Madison Books.
- Pillalamarri, Akhilesh. "Iran's Important Role in the Future of the Middle East". <http://thediplomat.com>. June 21, 2014.
- Taspinar, O. (2007). *Change in the Arab World: Why Now?*, New York International
- Rabasa, Angel M. et al (2004), *The Muslim world after 9/11*, Santa Monica. RAND Corporation.
- Jaede, Maximilian (2012), *The Concept Of The Common Good*, British Academy, Political Settlements Research Programme (PSRP) Of The University Of Edinburgh.
- Buzan, Bary; Lweaver, O. & Wilde, J. (1998) *Security; A New Framework for Analysis*. London: Lynne Rienner.
- Buzan, Barry (1991), *People, State And Fear: An Agenda For International Security Studies In The Post-Cold War Era*, London, Harvester Wheatsheaf Publication.
- Buzan, Barry And Waver, Dewilde (1998), *Regions And Powers The Structure Of International Security*, New York: Cambridge University Press.
- M. DORSEY, James (2018), *China and the Middle East: Venturing Into The Maelstrom*, Us Energy Information Agency.
- H. Cordesman, Anthony (2018), *Stability In The Middle East: The Range Of Short And Long-Term Causes*, Policy Paper, Csis, Center For Strategic And International Studies.

- Zulfqar, Saman(2018), Competing Interests Of Major Powers In The Middle East: The Case Study Of Syria And Its Implications For Regional Stability, Perceptions,, Volume Xxiii, Number 1, Pp. 121-148.
- Cammack,Perry (2018), Fueling Middle East Conflicts—or Dousing the Flames,police paper, Carnegie Endowment for International Peace.
- Malmvig,Helle and Markus Lassen, Christina(2013), Transitions in the Arab World The Arab Uprisings: Regional Implications and International Responses, EMed. Mediterranean Yearbook 2013.
- Lam, Akina(2018), Discover Ideas About Interactive Network,Available At: <https://Informationisbeautiful.Net/Visualizations/The-Middle-East-Key-Players-Notable-Relationships/>
- Wilf, Einat (2017), the battle for hegemony in the Middle East, the Australian strategic policy institute, special report.
- Aribogan, Ulke and Bilgin, Mert (2009), new energy order politics neopolitics: from geopolitics to emergeopolitics, uluslararası ilişkiler, cilt 5, sayı 20, kıs 2009, s. 109 – 132,